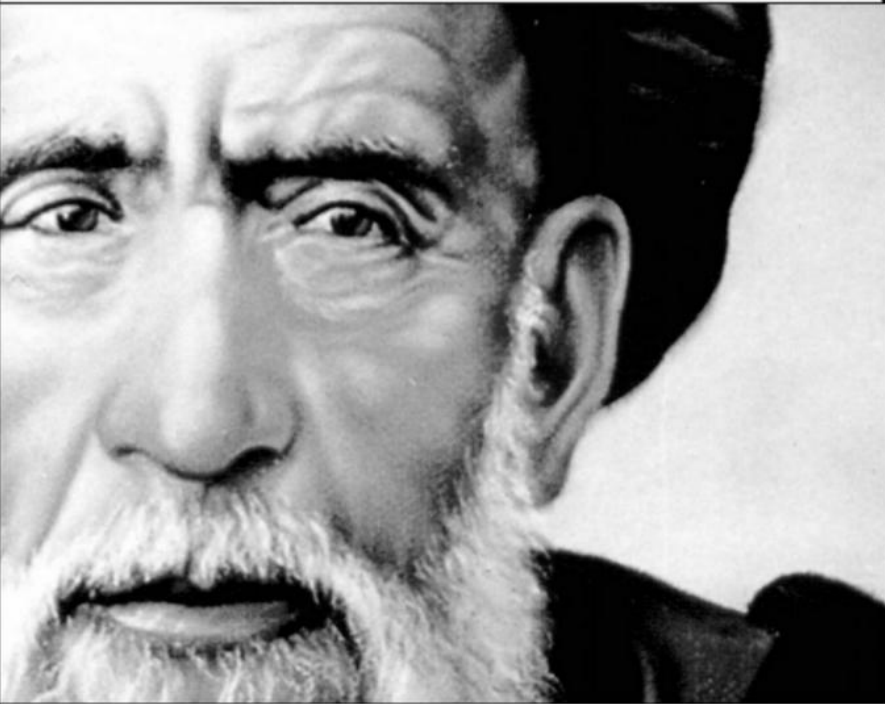


اسوه ماندگار شهادت و آزادی

مدرس



بی تردید در میان شخصیت‌های بزرگ دینی و سیاسی معاصر، مرحوم آیت الله سید حسن مدرس از چهره‌های ماندگار است. نوع زندگی و عمل کرد و رفتارهای وی می‌تواند برای همه اقشار جامعه و به ویژه کسانی که امروز در کسوت عالمان دین و نمایندگی مردم قهرمان ایران در مجلس شورای اسلامی به انجام وظیفه مشغولند، الگو و سرمشق باشد. چرا که این عالم متعهد و مسؤولیت شناس در یکی از برهه‌های بسیار سخت و در عین حال حساس و سرنوشت ساز تاریخ ایران اسلامی و در شرایطی که احاد مردم در نتیجه حاکمیت زمامداران بی کفایت و مستبد داخلی و نفوذ و دخالت بیگانگان استعمارگر خارجی با انواع مشکلات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و... دست به گریبان بودند، به دفاع از استقلال کشور و ارزش‌های فرهنگی و حقوق پامال شده مردم پرداخت و در نهایت هم با نثار جان خود از تحقق پیدا کردن اهداف و نقشه‌های شوم بیگانگان و ایادی مزدور آنان جلوگیری به عمل آورد. شرایط امروز جامعه ما دقیقاً بسان دوران و عصر آن شهید و عالم مجاهد و نستوده است.

بر این اساس ضمن گرامی داشت سالروز شهادت آیت الله مدرس در این نوشته پس از مروری کوتاه به زندگی آن عالم مجاهد به نمونه‌هایی از ویژگی‌های اخلاقی و شیوه‌های مبارزاتی ایشان اشاره می‌گردد. امید که این کار در حد خود به آشنایی هر چه بیش تر با شخصیت آیت الله مدرس و راه کارهای مبارزه با دشمنان جامعه اسلامی کمک کند.

الف: زندگی نامه و مبارزه شهید مدرس

مجاهد نستوه سید حسن قمشه‌ای مشهور به مدرس، در سال ۱۲۴۹ ش در خانواده‌ای از سادات طباطبائی ساکن سرابه کچو از توابع زواره اردستان دیده به جهان گشود. این کودک نیکو سرشت دوران طفولیت را تحت اشراف پدرش سید اسماعیل و پدر بزرگترش میر عبدالباقی، که هر دو از افراد متدین و قناعت پیشه و صالح بودند، گذراند. وی حدود ده سال در شهر قمشه مشغول به تحصیل مقدمات عربی و فارسی بوده و در شانزده سالگی به اصفهان رفت و نزدیک به سیزده سال معارف دینی را در محضر استادان معروف این شهر هم چون: آیت الله محمد باقر درچه‌ای،

بعد، در مرکز قانون گذاری به مبارزه با هرگونه خود کامگی، استبداد قانون شکنی و زورگویی بیگانگان مشغول شد. در دوره دوم از جمله کارهای بزرگی که مدرس انجام داد، مخالفت با پذیرش اولتیماتوم روسیه بود. در دوره سوم مجلس، علاوه بر وظیفه نظارتی در سمت نماینده منتخب مردم تهران به مجلس راه یافت. در این دوره، که مصادف با شروع جنگ جهانی اول بود، مرحوم تلاش‌های زیادی برای مقابله با اشغالگران انجام داد. پس از جنگ وقتی صمصام السلطنه رئیس دولت وقت در ایجاد امنیت و تأمین حداقل معیشت مردم کوتاهی می‌کرد، به عنوان اعتراض در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) مستحسن می‌شود. پس از سقوط دولت صمصام السلطنه، وقتی وثوق الدوله زمام امور را بدست گرفت، او نیز از طریق امضای قرارداد ۱۹۱۹ با دولت انگلیس خواست خیانت بزرگی در حق استقلال کشور انجام دهد که مدرس در مقابل او ایستاد و این قرار داد با شکست مواجه شد. وقتی دولت انگلستان از دستیابی به اهداف شوم خود در آن شرایط نا امید شد، در صدد برآمد تا جانشینی برای شاه قاجار (احمد شاه) پیدا

آخوند کاشی، جهان گیر خان قشقائی و... آموخت. در شعبان ۱۳۱۱ ه ق به منظور تکمیل تحصیلات عازم عتبات عالیات شد. و حدود هفت سال نیز در حوزه‌های مهم درسی آن سامان مشغول کسب علم شد. در نهایت، به افتخار دریافت درجه اجتهاد از استادان بزرگ آن دوره نائل شد. آن گاه برای ترویج معارف اهل بیت به اصفهان برگشت و در اصفهان ضمن تدریس و تربیت طلاب برجسته، به حل مشکلات مردم و رسیدگی به نیازمندی‌های آنان مشغول شد. در جریان اوج جنبش مشروطه خواهی، وقتی انجمن ملی اصفهان تشکیل شد، مدرس به سمت نائب رئیس آن انتخاب شد. در این دوره به حمایت از حقوق مردم با صمصام السلطنه بختیاری که به زورگویی به مردم می‌پرداخت درگیر شد و او را مجبور به کنار گذاشتن هر گونه آزار و تعدی به حقوق مردم کرد. در دوره دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی به عنوان یک نفر از مجتهدان طراز اول از سوی علمای نجف اشرف به مجلس معرفی شد تا به نظارت بر قوانین مصوب مجلس و تشخیص عدم مغایرت آنها با احکام شرع بپردازد. از این تاریخ به

کند تا شاید به کمک او تحقق اهداف خود را عملی سازد. پس از بررسی‌های فراوان تصمیم گرفتند رضا خان میرپنج را جانشین وی کنند. بر این اساس، دست به کودتا زدند. چون انگلیسی‌ها در جریان قرار داد ۱۹۱۹ شهید مدرس را شناخته بودند و می‌دانستند که او را راحت نخواهد نشست، صبح روز کودتا (سوم اسفند ۱۲۹۹)، مرحوم مدرس را به همراه تعدادی از



سلطنت را تغییر دهیم، رئیس الوزراء را عزل کنیم، رضاخان را هم تغییر می‌دهیم. همین الان تصمیم بگیرید رئیس الوزراء را بخواهید استیضاح کنید عزلش کنید. برود پی کارش. رضاخان هم همین طور... عزلشان می‌کنیم...^(۱) این سخنرانی مدرس سردار سپه را وادار کرد که در مجلس حاضر شده متعهد شود که ضمن لغو حکومت نظامی در تهران، اداره مالیات‌های مستقیم و... مثل سابق به عهده وزارت دارایی واگذار شود. با این همه، سردار سپه رویای دست یابی به حکومت ایران را دنبال کرد و نقش مهم مجلس را نیز به خوبی

در مرحله اول کوشید تا از تصویب اعتبار نامه نمایندگان فرمایشی جلوگیری کند و سپس از طریق ایجاد مانع‌های مختلف در نهایت، با پایمردی‌ها و تلاش‌های مدرس رضاخان مجبور شد از موضوع تغییر نظام منصرف گردد.

آیت الله مدرس درباره علت مخالفت با جمهوری می‌گوید: من با جمهوری واقعی مخالف نیستم... ولی این جمهوری که می‌خواهند به ما تحمیل کنند، بنا به اراده ملت ایران نیست بلکه انگلیسی‌ها می‌خواهند به ملت ایران تحمیل کنند و رژیم حکومتی را، که صد در صد دست نشانده و تحت اراده خود باشد، در ایران

مدرس خطاب به مجلسیان گفت: مگر شما ضعف نفس دارید؟ چرا حرف نمی‌زنید... مگر می‌ترسید؟ ما که از رضاخان ترسی نداریم... ما که قدرت داریم سلطنت را تغییر دهیم، رئیس الوزراء را عزل کنیم، رضاخان را هم تغییر می‌دهیم.



شخصیت‌های سیاسی زندانی کردند. اما طولی نکشید که دولت کودتا سقوط کرد و دولت قوام روی کار آمد و دوره چهارم مجلس شورای ملی افتتاح شد. مدرس مجدداً به عنوان نماینده مردم تهران وارد

مجلس شد. از این تاریخ به بعد، مدرس با ترفندهای رضاخان به مبارزه پرداخت و در تحقق اهداف شومی که رضاخان به دستور انگلیسی‌ها در صدد انجام آنها بود، جلوگیری به عمل آورد و در برابر قانون شکنی‌ها و ظلم و تعدی‌های او با شجاعت تمام ایستادگی می‌کرد، از جمله وقتی رضاخان پس از سقوط دولت سید ضیاء در پشت وزارت جنگ در تمام امور لشکری و کشوری و مالی بدون حساب و کتاب مداخله می‌کرد و مانع لغو حکومت نظامی در تهران می‌شد، مدرس بدون کوچک‌ترین هراس از عواقب درگیری با رضاخان در نطق کم نظیری سردار سپه را به باد انتقاد گرفت و خطاب به مجلسیان گفت: مگر شما ضعف نفس دارید؟ چرا حرف نمی‌زنید... مگر می‌ترسید؟... ما که از رضاخان ترسی نداریم... ما که قدرت داریم

دریافته بود.

از این رو، در جریان انتخابات مجلس پنجم با انواع تهدیدها در تطمیع‌ها راه را برای ورود همفکران خود به مجلس هموار کرد. بدین ترتیب، زمینه را برای نخست وزیری خود فراهم کرد. شاه قاجار در نهایت ضعف و استیصال به دنبال کناره‌گیری دولت مشیرالدوله، که با فشار سردار سپه و عواملش به وقوع پیوست، با نخست وزیری رضاخان موافقت کرد.

رضا خان در صدد برآمد به کمک نمایندگان فرمایشی، که با دست خود به مجلس آورده بود، به آرزوهای دیرین خود تحقق بخشد. نخست مسأله نظام جمهوری را به جای سلطنت مطرح کرد... آیت الله مدرس، که اینک رهبری اقلیت مجلس را بر عهده داشت، لحظه‌ای از مبارزه با رضاخان ننشست.

برقرار سازند... اگر واقعاً نامزد جمهوری فردی آزادی خواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می‌کردم و از هیچ نوع کمک و مساعدت با او دریغ نمی‌نمودم.^(۲)

شهید مدرس پس از به شکست کشاندن طرح جمهوری، یک بار هم در هفتم مرداد ۱۳۰۳ دولت سردار سپه را استیضاح کرد. وقتی بعدها رضاخان در صدد تغییر سلطنت برآمد، با جدیت، به مراتب بیش تر در برابر طرح تغییر سلطنت ایستاد و در ضمن به صورت بسیار صریح این حقیقت را نیز حتی به خود احمد شاه نوشت: هرگاه مقصود دیگر تنها عبارت از این بود که اعلی حضرت (احمد شاه قاجار) را از سلطنت برکنار سازند و دیگری را بر سر تخت نشانند، من که مدرس هستم صریحاً می‌گویم؛ به مبارزه نمی‌پردازم اما بر من ثابت است که مقصود

دیگران... تغییر و تحول هر گاه واقعا به وجود آید، بزرگ‌ترین ضربه انتقامی است که بر پیکر ایران وارد می‌سازند... مقصود از تغییر رژیم آن است که ایرانی کلیه اسباب و عوامل مقاومت منفی را از کف بدهد و خصایصی را که موجب بقای حیات اقتصادی او می‌باشد، به یک باره بپازد... (۳)

اما با کمال تأسف در روز نهم آبان ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی، بعد از آن که شهید مدرس به عنوان مخالفت آن را ترک کرد، طرح انقراض قاجار را تصویب کرد.

اما باز مدرس دست از مبارزه بر نداشت به رغم همه خطراتی که بود، در مجلس ششم به عنوان نفر اول انتخابات تهران وارد مجلس شد و این بار با هدف جلوگیری از تحقق یافتن سیاست‌های خائنانه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، روابط خارجی رضا خان به انجام وظیفه می‌پرداخت، مراقب بود به بیگانگان امتیازی داده نشود در هیچ موردی منافع ملی به خطر نیفتد. از حیف و میل اموال عمومی جلوگیری شود... در این راستا، در جلسه ۱۸۹ مجلس ششم با طرح اختصاص اضافه بودجه سال ۱۳۰۵ ش برای تعمیر قصرهای سلطنتی مخالفت کرد و این مقاومت و پایداری‌های مدرس موجب شد که رضاخان به فکر حذف وجود این مجاهد سازش‌ناپذیر افتاد. در نتیجه روز هفتم آبان ۱۳۰۵ شهید مدرس در راه مدرسه سپه سالار، مورد حمله مسلحانه چند نفر قرار گرفت و بالاخره در انتخابات هفتمین دره مجلس شورای ملی نگذاشتند حتی یک رأی به اسم شهید مدرس از صندوق‌های خارج شود و حتی رضاخان با تهدید به او گفت: از سیاست دوری کند، شهید مدرس هم در جواب گفت: من وظیفه انسانی و شرعی خویش را دخالت در سیاست و مبارزه در راه آزادی می‌دانم. به هیچ عنوان دست از سیاست بر نمی‌دارم و هر کجا باشم همین است و پس... (۴)

از این پس آیت الله مدرس مدرسه سپه سالار را، که محل درس و بحث بود، سنگر مبارزه قرار داد. در مجالس درس و وعظ و ارشاد به افشاگری و بیان خلاف قانون رژیم پهلوی می‌پردازد. رضا خان این وضع را نمی‌توانست تحمل کند، شامگاه ۱۶ مهر ماه ۱۳۰۷ یعنی دو روز پس از افتتاح هفتمین دوره مجلس شورای ملی، مأموران دولتی به صورت وحشیانه به منزل مدرسه ریخته، او را تبعید کردند و پس از نه سال حبس، سرانجام در هنگام افطار ۲۶ رمضان سال ۱۳۵۷، برابر با دهم آذر ماه ۱۳۱۶ توسط مزدوران رضاخان به شهادت رسید. (۵)

ب: اوصاف و ویژگی‌های آیت الله مدرس

از آنجا که شهید سید حسن مدرس دوران کودکی و

نوجوانی خویش را تحت نظر پدری آراسته به مکارم اخلاقی و دوران جوانی را در محضر استادان بزرگ دینی، که هر یک در عرصه علم و فضایل انسانی و الهی زبان زد عام و خاص بودند، سپری کرده بود و تمام لحظات آن دوره را به خوشه چینی از کمالات و مکرمات‌های اخلاقی آنها گذرانده بود، خود نیز به تمام سجایای انسانی و فضیلت‌های والای اخلاقی متعلق بود وی ضمن اشاره به خاطراتی از پدر می‌گوید: پدرم در کودکی... اجداد طاهرین ما را سرمشق و عبرت قرار می‌داد و می‌گفت: حلم و

مدرس مراقب بود به بیگانگان امتیازی داده نشود و در هیچ موردی منافع ملی به خطر نیفتد.



بردباری را از جد بزرگوارمان رسول الله (ص) بیاموزیم، شهامت و قناعت را از جد طاهرمان علی بن ابی طالب (ع) و تسلیم ناپذیری در برابر زور و ستم را از جد شهیدمان سید الشهداء، پدرم همیشه می‌گفت: کسی که به افراط در خورد و خواب عادت نکرده تنور شکم را دمیدم نتافته باشد، در برابر زور تسلیم نمی‌شود و در برابر زر و مال دنیا اسیر وسوسه نمی‌گردد. وی جد اطهرمان علی بن ابیطالب (ع) را مثالی می‌آورد... مثال دیگر پدرم، زندگی و مبارزات جد بزرگوارم سرور شهیدان سید الشهداء بود که یزید

بن معاویه، آن حضرت را به مال و منال فراوان و زندگی آسوده وعده داد. ولی آن حضرت آن وعده‌ها را نادیده گرفت. (۶)

وی علی رغم ناگواری و سختی معیشت لحظه‌ای از کسب علم و دانش کوتاهی نکرد و طولی نکشید که در سنین جوانی به درجه اجتهاد نائل آمد. میرزای شیرازی بزرگ، استاد مرحوم مدرس در توصیف ایشان می‌فرمایند: این سید مانند اجداد پاک دامن خویش، پاکدامن است. در مدت کوتاهی همه درس‌های خود را پشت سر گذاشته و با هوش و فراستش گاهی مرا به تعجب می‌اندازد. سید حسن مدرس بسیار درست کار و با تقواست. (۷)

علاوه بر این، آیت الله مدرس به اوصافی چون شهامت و شجاعت، بصیرت و تیز هوشی، صریح الهجه بودن، نفوذ ناپذیری، ساده زیستی و پرهیز از تجملات، عفو و اغماض، بیان فصاحت کم نظیر و قناعت و مناعت طبع، صبر و استقامت، ستم ستیزی غیر قابل وصف، اخلاص و تواضع، نظم و انضباط، عظمت خواهی برای وطن، بی اعتنائی به مظاهر بیگانه، اهل مناجات و عبادات، بذل و بخشش برای مستمندان و... آراسته بودند. پایان بخش این مقاله را مناسب است که به سخنان امام راحل اختصاص دهیم که چه زیبا در توصیف آن عالم فرزانه فرمود:

در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس، که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضا شاهی تاریک می‌نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی مقام را نمی‌تواند درک کند. ملت ما مرهون خدمات و فداکاری‌های اوست و اینک که با سربلندی از بین ما رفته، برماست که ابعاد روحی و بینش سیاس اعتقادی او را هر چه بیشتر بهتر بشناسانیم... (۸)

پی‌نوشت:

۱. مدرس در پنج دوره تفتینه، ج ۱، ص ۳۲۸ و ۳۲۹.
۲. تاریخ بیست ساله، ج ۲، ص ۴۲۵.
۳. تاریخ بیست ساله، ج ۴۳، ص ۷۷ تا ۸۵.
۴. تاریخ بیست ساله، ج ۵، ص ۱۲۳.
۵. مدرس فخرمان آزادی، ج ۲، ص ۷۸۵.
۶. یکصد سال مبارزه روحانیت، ص ۱۳۲.
۷. نطق‌ها و مکاتبات مدرس، ص ۱۹.
۸. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۹.